



اصغر فرهادی، کارگردان و فیلمنامه‌نویس فیلم‌های شاخص «درباره الی» ۱۳۸۸، «جدایی نادر از سیمین» ۱۳۹۰، «گذشته» ۱۳۸۲ و «فروشنده» ۱۳۹۵ در سینمای ایران و جهان و از نظر بسیاری از منتقدان داخلی و خارجی به عنوان فیلمسازی شناخته شده است که بسیار بالاتر و فراتر از روال متداول و جاری فیلمسازی در سینمای ایران فیلم می‌سازد. شاخص شده آثار او در سال‌های اخیر در عرصه‌های سینمای جهانی نشانگر آن است که موقعیت‌های چند سال اخیر وی تصادفی نبوده است و معمولاً فیلم‌ها او که بر اساس موقعیت‌های آشکار و ملموس انسان معاصر شناخته می‌شوند، نشان می‌دهند که قرار گرفتن در موقعیت‌های حساس و بحرانی کار ساده‌ای نیست و ظاهراً انتخاب و تصمیم‌گیری میان مصلحت جمع با مصلحت فرد تا حد زیادی سخت است اما این فیلم‌ها این خاصیت را دارند که در زندگی واقعی مردم می‌توانند مایه‌زا داشته باشند و با نشان دادن واقعیت‌های بسیاری از زندگی جامعه ما و انتقال ملموس و تجربه شده شخصیت‌های این فیلم‌ها به مخاطبان، سرمشق و عامل خوبی برای جلوگیری از نابسامانی‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه شوند.

به همین دلایل ذکر شده است که انتظارها و توقعات محافل سینمایی داخلی و خارجی و نیز مخاطبان واقعی سینما از این فیلمساز چنان بالا رفته است که پس از موفقیت هر فیلم او نگران چگونگی روند رو به رشد او و چگونگی کیفیت فیلم بعدی او می‌شوند و این سؤال برای آنها در ذهن مطرح می‌شود که آیا او به طور متوالی می‌تواند آثار خود را کیفیت بخشد و همچنان در سطح نخست فیلمسازی در جهان جای داشته باشد؟ طبعاً جواب این سؤال به شخص اصغر فرهادی و چگونگی رفتار هنری و حرفه‌ای او و در تلاش‌های بعدی فیلمسازی‌اش برمی‌گردد.

بررسی آثار سینمایی فرهادی از آغاز تاکنون نشانگر این موضوع مهم است که وی به سینمای اجتماعی دلبستگی وافر دارد و از آغاز فعالیتش در سینما سعی کرده است، دغدغه‌های فکری و فرهنگی‌اش را در زمینه‌های اجتماعی، مناسبات و روابط افراد جامعه به ویژه در چارچوب مسایل و مشکلات خانوادگی طبقه متوسط و پایین دست و بازخوردهای این روابط را با حساسیت بالا به تصویر بکشد آن هم مسایلی که بیشتر افراد صاحب تفکر و پیشروان و هدایت‌کنندگان فکری جامعه به ویژه هنرمندان و سینماگران به سادگی از کنار آن گذشته و هیچ زحمتی برای مطرح کردن آن به خود نمی‌دهند و هیچ مسئولیتی را برای بحث و گفتگو در مورد چگونگی آن نمی‌پذیرند و در نهایت نسبت به آن بی‌تفاوتند.

این کارگردان شاخص در قصه‌های اجتماعی و ملودرام فیلم‌هایش قبل از اینکه بخواهد عامل یا شخصی خاص را مقصر اصلی جلوه دهد، بازتاب عوامل بیرونی را بر زندگی شخصیت‌های اصلی فیلم را مورد کند و کاو قرار می‌دهد و ریشه اصلی این عوامل بیرونی را یکی از علل مهم و تأثیرگذار و از نکته‌های منفی و شیوه زندگی شهری و تبعات آن و نیز فروخوردگی و فروپاشی فرهنگی و تأثیر آن بر زندگی خانواده‌های شهرنشین امروزی به حساب می‌آورد و در عین حال فیلم‌هایش واجد نشانه‌های اجتماعی دقیق و پرشماری است که توانایی فراوانی در بازتاب و نشان دادن موقعیت جامعه امروزی دارد. فرهادی در دوران فیلمسازی‌اش در ایران و تا قبل از فیلم «گذشته» و سپس بازگشت دوباره برای فیلمسازی در ایران با فیلم «فروشنده» که اثری اقتباسی است معمولاً بر اساس مسایل و مشکلات اجتماعی و خانوادگی طبقه متوسط و پایین دستی جامعه ایران داستان‌های آشراش را می‌نوشد و کارگردانی می‌کرد و به فراخورد و اقتضای داستان، شخصیت‌هایش را طراح‌ی و خلق می‌کرد. برای نمونه ماجراها و فرآیند قصه «شهر زیبا» و «رقص در غبار» را شخصیت‌های فرودست جامعه ما پیش می‌بردند و روایت قصه‌های «چهارشنبه سوری» و «درباره الی» و فیلمنامه‌های «کنان» و «دایره زنگی» که وی نوشته طبقه متوسط و البته با ترکیبی از این دو قشر فرهنگی و اجتماعی به عهده داشته‌اند.

سرنوشت زندگی و امرار معاش دختر نطفافت‌چی جنوب شهری با آپارتمان آدم‌های متوسط «چهارشنبه سوری» گرد خورده بود و رفتار پسر شمالی قصه «درباره الی» را رفتار مهمانانی تهرانی مورد مقایسه بود. و پسر نصاب ماهواره و دختر بزکهار فیلم «دایره زنگی» در پشت‌بام‌های عمارت‌های شمال شهر به دنبال سرنوشت‌شان بودند.

در «جدایی نادر از سیمین» زندگی شخصیت‌های اصلی داستان، که از طبقه متوسط هستند، با سرنوشت پرستار سرخانه و شوهرش که از طبقه فرودست جامعه‌اند گره می‌خورد اما فرهادی در فیلم «گذشته» اثری که در خارج از کشور (فرانسه) ساخت افکار و دغدغه‌های فرهنگی و اجتماعی‌اش را در بسیار فراتر از جامعه داخلی برد و سا طراح‌ی و خلق قصه‌ای فراقهرنگی و فراملی، شخصیت‌هایی را در چارچوب یک خانواده از هم پاشیده به طور

**فروشنده** در واقع تأثیر گذر زمان، هراس از آینده در انحطاط اخلاقی فراینده پیرامون جامعه ما است و این مفهومی است که فرهادی به طور احسنت در به تصویر کشیدن آن موفق عمل کرده است خواه موافقان فیلم خوششان بیاید و خواه مخالفان فرهادی و فیلم‌هایش بدشان بیاید.

نمادین و به عنوان یک جامعه کوچک بین‌المللی به تصویر کشیده بود که در جامعه جهانی کنونی مایه‌زاهای بسیاری دارند.

به طور کلی اگر سبب و قهرمان اصلی فیلم‌های فرهادی را شخصی بدانیم که همواره بر سر دو راهی عدالت و اخلاق، هم در کنکاش و واکاوی کنش‌های خود و هم دیدگران ایستاده و نه تنها در انتخاب راه درست بلکه اصولاً در تعریف این دو حوزه در موقعیت بحرانی پیش رویش مردد است.

## «فروشنده» قضاوت، اخلاق، عدالت بحران‌های فکری و هویت از دست رفته

**سعید بناکار**



بدون هیچ تردیدی باید پذیرفت که حوزه مورد داوری فرهادی روز به روز گسترش یافته، چنان که شخصیت‌هایش پس از تجربه انواع بحران‌ها و چالش‌های هویتی (رقص در غبار)، سنتی (شهر زیبا)، خانوادگی (چهارشنبه سوری)، روان‌شناختی (درباره الی)، طبقاتی (جدایی نادر از سیمین) و فرهنگی (گذشته) و حال در آخرین اثرش «فروشنده» به بزنگاهی جامعه‌شناختی، آن هم در مقطع گذار تاریخی و حساس و دردناک جامعه ما از سنت‌گرایی به نوگرایی رسیده‌اند و این بزنگاه نقطه‌ای است که اصولاً اخلاق فردی با عدالت اجتماعی در تعارض و جدال قرار می‌گیرند و به نوعی می‌تواند از بزرگترین لحظه عمر هر قاضی، دادستان، وکیل، منمهم یا قربانی باشد!

فرهادی در «فروشنده» با گذار از مسایل و مشکلات فرهنگی اجتماعی خانوادگی که معمولاً مختص به یک جغرافیای محدود است و با انتخاب شایسته یک اثر ادیبانی و نمایشی معتبر یعنی «مرگ فروشنده» اثر جوادان (آرتور میلر) نمایشنامه‌نویس آمریکایی به‌ عنوان اصلی ترین مرجع و کلید موضوع و سوزوه و مضمون ساختار قصه مورد دغدغه‌اش را الهام گرفته و فیلمنامه‌اش را طراحی کرده است و از سویی وسعت جهان‌بینی‌اش را گسترش داده است و این همان ارتقاء سطح کیفی اثر است که مخاطبان فرهادی متوجهند.
او متوالیا در فیلم‌هایش با یک نگاه ژین‌بینانه و آگاهانه دو هدف را دنبال می‌کند نخست اینکه با قصه‌اش مخاطب را سرگرم می‌کند و دوم اینکه در جریان و متن قصه مخاطب را به تفکر وا می‌دارد.

«فروشنده» پیشتر درباره وضعیت انسان امروزی است تا یک انتقاد اجتماعی و جامعه‌شناختی هر چند که در متن و حاشیه هم کنایه و تلنگرهایی به حال و روز جامعه ما می‌زند. در فیلم‌های فرهادی زندگی پر از سوءتفاهم، سوءفقاوت، پیش‌قضاوتی، حوادث و اتفاق‌های ناخواسته است. ساختار و

روایت قصه «فروشنده» از این لحاظ و نظر و در ادامه قصه‌ها پیش این کارگردان است و این بار هم نیز بحث تیرگی و گم شدن واقعیت، سختی کشف حقیقت و دشواری قضاوت را دنبال کرده است. فرهادی با الهام گرفتن از ساختار، پیام‌ها، مضمون و اهداف منبع اقتباسی‌اش روایت قصه‌اش را پی‌ریزی کرده اما فروشنده او جز پیکره و ساختار اصلی و نیز تارنن مفهومی برخی از شخصیت‌ها، پیوند داستانی دیگری با «مرگ فروشنده» میلر ندارد (تعارض بنیادین مرگ فروشنده، احساس پوچی طبقه فرودست در استیلای سرمایه‌داری شستایان پس از جنگ دوم جهانی در آمریکا است) و بیشتر به لحاظ همان چالش‌ها و بحران‌های اخلاقی و اجتماعی، از آن وام گرفته است. اما همچنین در مقایسه‌ای بسیار ظریف بین ساختمان رو به ویرانی (فروشنده) با «فروپاشی روّی‌های آمریکایی مورد نظر آرتور میلر می‌توان آن را دارای فرجامی دیگرگون از (مرگ فروشنده) نیز در نظر گرفت. در مرگ فروشنده (آرتور میلر) با نابودی روّی‌ای آمریکایی در اذهان طبقه فرودست این روّیا و کلیت نظام اجتماعی کماکان برای طبقات بالاتر به قوت خود باقی می‌ماند اما در دادگاه پایانی فروشنده در ساختمان رو به ویرانی مدام این حس را داریم که در صورت ریختن ساختمان، محاکمه‌گر و محاکمه‌شونده و شاک‌ی همه با هم نابود خواهند شد!

قصه «فروشنده» فرهادی چنین ماجرابی را روایت می‌کند «عماد» (شهاب حسینی) معلم ادبیات است که با همسرش «رعنا» (ترانه علیدوستی) تئاتر بازی می‌کنند و در تدارک اجرای مرگ فروشنده‌اند. آنها یک شب در پی و به دنبال گودبرداری غیر اصولی در کنار ساختمان مسکونی‌شان ناچار به ترک زود هنگام خانه می‌شوند. ترک خوردن دیوارها و آسیب دیدن بنای ساختمان احتمال ریزش آن را افزایش داده و عماد و رعنا چاره‌ای جز یافتن خانه‌ای

صحنه تئاتر است شکل می‌گیرد یعنی یکی از بارزترین شمایِل از مفهوم حریم خصوصی عنصر و هنر تئاتر از دیگر عوامل دخیل و استفاده شده فرهادی در ساختار اصلی «فروشنده» است و این نخستین مرتبه است که این فیلمساز از جنس نمایشنامه رفته است و این آرجاع به تئاتر بیشتر به لحاظ منش و حرفه فرهنگی دو شخصیت در «مرگ فروشنده» میلر و «فروشنده» فرهادی است و در این راستا برگ برنده فرهادی در فروشنده تلفیق مناسب نمایش با واقعیت است. از بازی عماد (شهاب حسینی) در نقش ویلی لومان (مرگ فروشنده) و خوابیدن او در تابوت و نگاه عمیق و متفکرانه و آمیخته با اندوهش (رو به دوربین) در اتاق گرم با آن موهای سفید شده و به موازاتش چهره پیر و شکسته همسرش، مخاطب در حس و حالی قرار می‌گیرد که گویی عماد و رعنا در گذر این کشمکش‌ها و بحران‌ها و رخدادهای ناگوار و روپارویی‌های غیر انسانی و احساسی در یک جامعه ملتهب و ناآرام شهری به کهنسالی رسیده‌اند و همان سرنوشت محتوم ویلی لومان و همسرش (لیندا) را به عنوان الگوهای طبقه متوسط شکست خورده پیدا کرده‌اند. این همان قرینه‌سازی فرهادی در جاهای فیلمنامه اقتباسی‌اش است که اثرش را مستقل و مجزا از اثر اقتباس شده جلوه می‌دهد.

عنصر انتخابی دیگر فرهادی برای شخصیت اول فیلمش شغل و حرفه حساس او است یعنی اینکه عماد معلم است او می‌توانست شغل دیگری برای عماد انتخاب کند و یا فقط به همان حرفه بازیگری‌اش محدود شود. اما چرا شغل معلمی؟ نخست اینکه با توجه به یکی از گفتگوهای فیلم متوجه می‌شویم که این زوج (رعنا و عماد) شهرستانی هستند و قوم و خویشی ندارند که در تهران به آنها کمک کند و اصولاً دانشجویان معمولاً در مرکز زندگی و درس می‌خوانند جهت امرار معاش یا معلم سرخانه می‌شوند و یا به صورت حق‌التدریسی در مدارس درس می‌دهند به دلیل همین انتخاب هویت آدم‌های اصل داستان برای مخاطب ملموس تر است و نیز اینکه مدرسه یکی از ارجاع نمایشنامه‌ای میلر است (مدرسه بچه‌های ویلی) و دیگر آنکه نفس حضور در مدرسه، درام را وارد لایه‌هایی عمیق‌تر در ماهیت معنایی‌اش و نیز برخی از جلوه‌های دراماتیکش می‌کند. عماد معلم ادبیات است و در آن سکانس مربوطه در حال تدریس درس مربوط به داستان گاو غلامحسین ساعدی است. گاو حکایت انزوا و استحاله فرد در جامعه‌ای است که اولاً شاهد این مسئله مهم است که می‌بیند حریم خصوصی و مملکتش در حال نابودی است و دوم اینکه ناظران و مراقبان دائمی دارد (ماجرای اهالی روستا در قصه گاو) وضعیت عماد هم بی‌شباهت به این روند نیست به حریم خصوصی و ناموشش تجاوز و دست درازی شده و بعد از آن هر کس از همسایگان و همکاران در حال واریس و بازپرسی این موضوع هستند. عماد بعد از این جریان‌ها به تعبیر و دیالوگ خودش به مرور گاو می‌شود (در پاسخ به یکی از دانش آموزانش که از او می‌پرسد «آدم چه طور گاو می‌شود؟») برخلاف برخی از دیدگاه‌هایی که در مورد فروشنده از سوی برخی منتقدان همیشه منفی‌نگر نسبت به آثار هنری و شاخص سینمای ایران وجود دارد موضوع و مضمون قصه فروشنده اصولاً در مورد تعرض و تجاوز جنسی و ناموسی، خشونت و یا … نیست بلکه درباره اهمیت حریم خصوصی افراد است که متأسفانه در توسعه نادرست در مرحله گذرا از جامعه شهرنشین سنتی به شهرنیشینی مدرن که به تبع مقتضیات محیطی، شهری و معماری جدید که به صورت اجباری به جامعه ما تحصیل و همه مزه‌های اخلاقی را مخدوش کرده و در مرحله بعد به دلیل مؤلفه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی که محمول و دستاورد روزگار و جامعه امروزی است روز به روز بیشتر از همیشه زیر پا گذاشته می‌شود.

حادثه تخریب آپارتمان در آغاز فیلم که از اراده و ساکنان آن خارج بوده رعنا و عماد را در موقعیتی قرار می‌دهد که قرار است رخدای ناگوار برایشان اتفاق بیفتد. چرا که همه زمینه‌ها و علت‌های پیش آمدن این رویداد از قبل وجود دارد. در خانه رعنا و عماد زن خودفروشی به نام او قبلاً سکونت داشته و پذیرای دیدارکنندگانش بوده، اشاره‌ای آشکار است برای قرینه‌سازی و شباهت‌سازی فیلم در مورد رعنا و آمو البته این شباهت‌سازی‌ها در

**این کارگردان شاخص در قصه‌های اجتماعی و ملودرام فیلم‌هایش قبل از اینکه بخواهد عامل یا شخصی خاص را مقصر اصلی جلوه دهد، بازتاب عوامل بیرونی را بر زندگی شخصیت‌های اصلی فیلم را مورد کند و کاو قرار می‌دهد و ریشه اصلی این عوامل بیرونی را یکی از علل مهم و تأثیرگذار و از نکته‌های منفی و شیوه زندگی شهری و تبعات آن و نیز فروخوردگی و فروپاشی فرهنگی و تأثیر آن بر زندگی خانواده‌های شهرنشین امروزی به حساب می‌آورد.**

جای، جای متن قصه در مورد شخصیت فرعی و اصلی لحاظ شده است که اشاره به آنها نیاز به صفحات بیشتری برای نوشتن و تحلیل است. اما یکی از مهمترین و بزرگترین قرینه‌سازی‌ها در مورد عماد صورت گرفته است او بعد از آن رخداد همه آدم‌ها را باعث و بانی آن می‌داند. از بابک همبازی تئاترش گرفته تا اهالی محل و حتی همسرش (رعنا) و متهم اصلی بزرگترین قرینه‌سازی در مورد عماد هنگامی است که رفته رفته خصوصیاتش به راننده متجاوز شباهت پیدا می‌کند و به گونه‌ای دیگر با رفتارهای خود جایگزینی برای او می‌شود. او به نقطه‌ای رسیده که در پی یافتن مقصر و انتقام گرفتن است و این اوج زوال شخصیت او است. فرهادی در فروشنده این فرم و شکل انتقام‌گیری و ابروی دیگران ریختن را به قضاوت مخاطب می‌گذارد تا شاید در تفکر در شرایطی این چنینی با خرد و تدبیر بحران و چالش پیش روی خود را حل کند. بدون تردید انتخاب بازیگر برای چنین فیلمی که کلا انکا بر شخصیت‌پردازی و ارایه احساس‌های درونی است یکی از برگ برنده‌های فرهادی بوده است و این مطابق انتظار مخاطب بوده است که شهاب حسینی و ترانه علیدوستی در نقش‌هایشان چون گذشته خوش درخشیده‌اند. فروشنده در واقع تأثیر گذر زمان، هراس از آینده در انحطاط اخلاقی فزاینده پیرامون جامعه ما است و این مفهومی است که فرهادی به طور احسنت در به تصویر کشیدن آن موفق عمل کرده است خواه موافقان فیلم خوششان بیاید و خواه مخالفان فرهادی و فیلم‌هایش بدشان بیاید.

### ثبتي و دادگستري

<b>هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی</b> <p><b>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی</b></p> <p><b>اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی</b></p> <p>برابر رأی شماره ۸۴۸/۳۰۰۶۸۴۰۳۰۱۱-۱۳۹۵۶ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی بهبود شیرپاری فرزند بداله به شماره شناسنامه ۱۶۲ صادره از شهیدان نسبت به شش‌دانگ یکپاک خانه به مساحت ۱۹۹/۳۵ مترمربع پلاک فرعی از اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۲۷۱۴۹ فرعی از ۸ اصلی واقع در بخش سه شیرپاز خریداری از مالک رسمی سعید فتحعلی جعفری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.</p> <p>تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۵/۷/۱۰</p> <p>تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۵/۷/۲۵</p> <p>الف/۱۶۶۲۲ م الف</p> <p>رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه سه شیرپاز سیروس لطفی ایبوردی</p>	
--	--

<b>هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی</b> <p><b>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی</b></p> <p><b>اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی</b></p> <p>برابر رأی شماره ۱۵۲/۳۵۰۰۶۸۴۰۳۰۱۱-۱۳۹۵۶ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیرپاز ناحیه سه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی احمد دین پژوه فرزند حبیب‌اله به شماره شناسنامه ۶۴۸ صادره از کارزون نسبت به شش‌دانگ یکپاک خانه به مساحت ۳۲۸/۱۲ مترمربع پلاک فرعی از اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۳۴۶۵ فرعی از ۹ اصلی واقع در بخش سه شیرپاز خریداری از مالک رسمی ناصر دوگوهکی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.</p> <p>تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۵/۷/۱۰</p> <p>تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۵/۷/۲۵</p> <p>الف/۱۶۶۲۳ م الف</p> <p>رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه سه شیرپاز سیروس لطفی ایبوردی</p>	
---	--

<b>هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی</b> <p><b>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی</b></p> <p><b>اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی</b></p> <p>برابر رأی شماره ۵۴۰/۳۰۰۶۸۴۰۳۰۱۱-۱۳۹۵۶ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی محمدحسین زارعی به شماره شناسنامه ۳۹۴ صادره از خرامه نسبت به شش‌دانگ یکپاک خانه به مساحت ۲۴۵/۵ مترمربع پلاک فرعی از اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۲۷۱۲۹ فرعی از ۸ اصلی واقع در بخش سه شیرپاز خریداری از مالک رسمی محمدحسین زارعی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.</p> <p>تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۵/۷/۱۰</p> <p>تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۵/۷/۲۵</p> <p>الف/۱۶۶۲۴ م الف</p> <p>رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه سه شیرپاز سیروس لطفی ایبوردی</p>	
--	--

شورای حل اختلاف شعبه شهر رونیز